



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه ریحانه اصفهان

مقاله علمی - پژوهشی

عنوان

تأثیر باورهای قرآنی امام خمینی (رحمت الله علیه)

در حکومت اسلامی ایران

پژوهشگر

مریم شریفی

بهار ۱۳۹۶

صلى الله عليه وسلم

چکیده

بنیادی‌ترین مباحث این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یکی از اصیل‌ترین نیاز بشر در عرصه زندگی، وجود حکومت و رهبری شایسته در تمام اعصار و قرون است. امام اولین فقیهی است که با بهره‌مندی از مقام مرجعیت دینی توانست، حکومت اسلامی تشکیل دهد. ایشان در آیات سیاسی و اجتماعی قرآن اندیشید و حکومت اسلامی که دارای مشروعیت الهی بود را پذیرفت. سیاست امام برگرفته از منابع اصیل اسلامی، به خصوص قرآن است و رمز و راز غلبه امام بر دشمنان داخلی و خارجی و اتحاد، جذب و حمایت از مستضعفان نیز در همین نکته نهفته بود. جنس سیاست امام با ماهیت و جنس سیاست دیگر متناقض و حتی فرق داشت از این رو با آنها مخالفت کرد، و با تز جدایی دین از سیاست مبارزه کرد و برای بازگشت عزت مسلمین تلاش‌های زیادی نمود چرا که بینش و دانش ارائه شده در قرآن عهده‌دار نجات انسان از ظلمت به سوی نور است این بینش و دانش ابعادی دارد برخی از این ابعاد عبارتند از: عدالت، تأکید بر ولایت الهی، اخوت، حرمت هر گونه رهبری ظالمانه، مصلحت و آمادگی نظامی متناسب با شرایط زمانه از مقاصد آموزه‌های قرآنی امام محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت قیام، انسان‌ها در مسیر تاریخ به سوی دو جهت انجام شده است: آنان که به طرف خدا در حرکت بوده‌اند و کسانی که به سمت غیر خدا رفته‌اند. از این رو قیام لله در صورتی که همراه با استقامت باشد سعادت را در پی خواهد داشت، چرا که سر آغاز جدایی در میان مسلمانان، اشکال در استقامت بر حرکت در مسیر الهی است. در این میان امام با طرح بنیادی‌ترین مفاهیم و مباحث حکومت اسلامی و ایده نیابت فقها از امام معصوم (علیه السلام) در نگاهی تطبیقی بر آموزه‌های قرآن عوامل بحران ساز را خشکانده و از بین برد.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، باورهای قرآنی، حکومت اسلامی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
۱- واژگان کلیدی.....	۳
۲- انواع حکومت در جهان.....	۴
۱-۲- حکومت و مسئله مشروعیت.....	۷
۲-۲- حکومت مشروع.....	۹
۳- رسالت جهانی حکومت اسلامی ایران.....	۲۰
۴- مبانی قرآنی حکومت اسلامی (رحمت الله علیه).....	۲۲
۱-۴- قیام الله.....	۲۳
۲-۴- استکبارستیزی.....	۲۴
۳-۴- نفی سبیل.....	۲۵
۴-۴- عدالت.....	۲۶
۵-۴- وحدت.....	۲۸
۶-۴- مبارزه.....	۳۰
۷-۴- شهادت.....	۳۱
۸-۴- عدم اتکا به ظالمان.....	۳۴
۹-۴- آمادگی دفاعی.....	۳۵

۳۶..... ۱۰-۴- جهاد.....

۳۷..... ۱۱-۴- جنگ.....

۳۸..... ۱۲-۴- استقامت.....

۳۹..... ۱۳-۴- پیروزی مؤمنین.....

۴۱..... ۱۴-۴- طغیانگری.....

۴۱..... ۱۵-۴- اخوت و برادری.....

۴۲..... ۱۶-۴- مصلحت.....

۴۳..... **نتیجه گیری**.....

۴۴..... **پیشنهادها**.....

۴۵..... **فهرست منابع**.....

مقدمه

تلاش برای شناخت قرآن و اندیشه امام خمینی و اهداف قرآنی ایشان، همان گونه که برای معتقدان و مؤمنین به آن ضرورت دارد، برای عالمان رشته‌های مختلف علوم انسانی نیز لازم و حتمی است. امام خمینی به عنوان فرد معتقد به قرآن، مقاصد و اهداف قرآن را شناخت، تا به آنها عمل کند بر این اساس یک تاریخ‌شناس، روان‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان، حقوق‌دان و... نیز باید مقاصد و اهداف قرآنی امام را بشناسد، تا از تأثیرهای آن بر روح و روان و عملکرد فردی و اجتماعی معتقدان به آن مطلع گردد. البته این تفکیک صرفاً در بعد تئوری است، چرا که گروهی از معتقدان به قرآن از اهداف و مقاصد آن اطلاعی ندارند. بررسی تأثیر قرآن در انتقال جامعه جاهلی به جامعه دینی، پدیدار شدن علم‌های مختلف، فرم دهی به نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، اخلاقی و خانوادگی، به مناسبت‌های بین‌المللی انقلاب‌های بیدارگرانه عصر امروز و نهضت‌های نجات بخش در جهان اسلام و مقابله مسلمانان با استبداد در دسته پراهمیت‌ترین مسائلی قرار می‌گیرد که ضرورت دارد با روش‌های معتبر علمی و کارشناسانه به آنها پرداخته شود.

طبق فرمایش امام قرآن کتاب هدایت است و بنیان‌های اندیشگی و اعتقادی، اصول و مبانی تربیتی، اخلاقی، حکومتی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، حقوقی و خانوادگی را برای

انسان ارائه کرده است. که آگاهی از آنها برای امروز ایران و دنیای اسلام و حتی جامعه بشری، برای رسیدن به مقصد ضرورتی فوری و غیر قابل انکار است. امام طبق آیات قرآن اعتقاد داشتند که «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» نقطه ابتدای حرکت از خداست؛ همانطور که نقطه پایان نیز اوست. بنابراین ایشان تمسک به دستورالعملها و توصیه‌های هدایت‌گر قرآن را، راه رهایی از ضلالت و بحران‌های کنونی می‌دانستند. از این رو جوامعی که به قرآن و رهبری شایسته معتقدند با اندیشه و آگاهی بیشتر می‌توانند بر مشکلات خود غلبه کنند و آنان که اعتقاد ندارند با قبول آنها، در مسیر هدایت قدم خواهند گذاشت.

پژوهش حاضر از چکیده، مقدمه، دو بخش و نتیجه‌گیری تشکیل شده است. در بخش اول کلیات بحث مطرح شده که شامل دو فصل است فصل اول کلیات طرح تحقیق مطرح شده است و فصل دوم به مفاهیم ضروری تحقیق پرداخته شده است. بخش دوم نیز شامل دو فصل است فصل اول به تبیین حکومت و انواع آن و فصل دوم به مبانی قرآنی حکومت اسلامی امام راحل پرداخته شده است. و در آخر از کلیه مباحث نتیجه‌گیری شده و پیشنهاداتی مطرح می‌شود و در پایان فهرست منابع ذکر گردیده است.

۱- واژگان کلیدی

امام خمینی: سید روح‌الله مصطفوی (زاده امهر ۱۲۸۱ - در گذشته ۱۳ خرداد ۱۳۶۸) اولین رهبر و اولین ولی فقیه نظام جمهوری اسلامی ایران بود. (ر.ک. سید محمد علی، یازی، تفسیرقرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی، ج ۱، بی‌جا، ستاد شناخت و ترویج اندیشه‌های امام، ۱۳۸۳ش، صص ۳۸ و ۲۹).

حکومت اسلامی: درحکومت اسلامی، حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) معین شده است. (مجموعه شرط) همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. (ر.ک. امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، چاپ بیستم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش، صص ۴۴ و ۵).

قرآن: عبارت است از: وحی نامه اعجاز آمیزی که به عربی، به عین الفاظ توسط فرشته امین وحی از جانب خداوند و از لوح محفوظ بر قلب و زبان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به طور اجمالی و تفصیلی در مدت ۲۳ سال نازل شده است. (ر.ک. بهاء‌الدین، خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، تهران، دوستان [و] ناهید، ۱۳۷۷ش، ص ۶۳۰).

باورهای قرآنی: با توجه به برخی منابع باورهای قرآنی را می‌توان این گونه تعریف کرد که، یقین‌های نشأت گرفته از دستورات قرآن کریم است که هر فرد بسته به میزان درک

و توانایی ادراک خود از دستورات آن بهره می‌برد.

حکومت در طول تاریخ اشکال مختلفی داشته و شاید به تعداد کشورهای جهان حکومت‌هایی بوده است. در اینجا ما به بررسی حکومت و انواع آن، که یکی از بهترین آنها حکومت اسلامی است به توضیح و تبیین آن می‌پردازیم.

۲- انواع حکومت در جهان

(ارسطو) حکومت‌ها را سه نوع می‌داند:

۱- حکومت عامه (جمهوری دموکراتیک)، که همگی در رأی شرکت دارند و با قبول رأی اکثریت به اختلافات خاتمه می‌دهند.

۲- حکومت اعیان و اشراف (آریستوکراسی) که گروهی از قدرتمندان و اشراف بر حکومت سیطره می‌یابند.

۳- حکومت ارثی (پادشاهی) که یک مرد نیرومند بر مردم سیطره می‌یابد و سپس حکومت را در خانواده خود ارثی می‌سازد.^۱

اما با توجه به یک جامعه دینی می‌توان اصول حکومت را به سه نوع تقسیم کرد:

۱- حکومت‌های خودکامه، استبدادی و سلطه فردی ۲- حکومت دموکراسی ۳-

حکومت الهی

۱- حکومت‌های دیکتاتوری و خودکامه: این نوع حکومت بر اساس حاکمیت فرد یا

^۱ - محمد تقی، مدرسی، نگرشی بر اندیشه اسلامی، ترجمه: محمد رضا، آذیر، مشهد، آستان قدس

رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۰ش، ص ۳۷۵.

گروه خاصی بنا شده و بر محور اراده فرد یا آن گروه دور می‌زند، یکی از اشکال دیکتاتوری (توتالیتریانیسم)^۱ است.

حکومت استبدادی از زشت‌ترین انواع حکومت هاست و مفسد زیادی دارد.^۲ از این رو قرآن مجید در یک آیه، حق مطلب را ادا کرده است: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً

أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَالِكَ يَفْعَلُونَ»^۳

۲- حزب دموکراسی حکومت دموکراسی- اعم از مشروطه و جمهوری- اصل بر این است که تمام مردم به پای صندوق‌های رأی بروند و نمایندگان خود را انتخاب کنند، رئیس هیأت، گاه مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند که تحت عنوان (رئیس جمهور) ریاست حکومت را عهده‌دار می‌شود. این شکل اخیر را (جمهوری دموکراتیک) می‌نامند. بنابراین حکومت ایران، موسوم به (جمهوری اسلامی) است، اما نه (جمهوری دموکراتیک) و به قول استاد شهید مطهری: (کلمه (جمهوری) شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه (اسلامی) محتوای این حکومت را بیان می‌کند).^۴ امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: آن چیزی که ملت ما می‌خواهد (جمهوری اسلامی) است نه (جمهوری)

^۱ - Totalitarianism

^۲ - علی، محامد، مبانی قرآنی حکومت دینی، قم، زائر، ۱۳۸۹ش، صص ۲۱-۲۲.

^۳ - نمل (۲۷)، آیه ۳۴.

^۴ - علیرضا، رجالی تهرانی، انواع حکومت در جهان، www.tebyan.ir، ۱۳۹۰/۲/۳ش؛ حسین،

بشیریه، آموزش دانش سیاسی، تهران، موسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۱ش، صص ۳۷۵.

^۵ - مرتضی، مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ نهم، بی‌جا، صدرا، ۱۳۷۲ش، صص ۸۰.

فقط، نه (جمهوری دموکراتیک)، نه (جمهوری دموکراتیک اسلامی)، (جمهوری اسلامی).^۱
ایشان حکومت‌های دموکراتیک را ناقص، نارسا و تک بعدی مادی و اقتصادی می‌خواند و
این حکومت در تعبیر قرآنی همان دنیاگرایی است.^۲

۳- حکومت الهی: در این نوع حکومت، حاکمیت اصلی از آن خداست که حکومت
پیامبران و ائمه (علیه السلام) و کسانی که با داشتن شرایط ویژه، حق حکومت را از سوی
آنها دریافت می‌دارند مشروعیت پیدا می‌کند.^۳ امام می‌فرمایند باید:

«... یک حکومتی باشد که هم دلخواه ملت باشد، و هم حکومتی باشد که
خدای تبارک و تعالی ... بگوید که اینهایی که با تو بیعت کردند با خدا بیعت کردند-»

إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ - ... حکومت حکومت الهی باشد...^۴

حکومت دینی، که در آن مرجعیت دینی و آموزه‌های آن با اهداف و ارزش‌های دینی
پذیرفته و عمل می‌شود.

اما حکومت اسلامی، که دایره شمولش محدودتر می‌شود، به آن حکومتی گفته
می‌شود که مرجعیت دینی از منظر آموزه‌های اسلام و موازین و قوانین این دین الهی مورد
پذیرش و اجرا قرار می‌دهد.

^۱ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا، ص ۲۷۶.

^۲ - نجف، لک زایی، درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، قم، بوستان کتاب
قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۶ ش، ص ۷۷.

^۳ - علیرضا، رجالی تهرانی، انواع حکومت در جهان، www.tebyan.ir، ۱۳۹۰/۲/۳ ش.

^۴ - فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

^۵ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۴، صص ۴۶۱-۴۶۰.

حکومت ولایی که مدلی خاص از حکومت دینی - اسلامیاست علاوه بر قبول مرجعیت دین اسلام و آموزه‌های آن انسجام جامعه و هدایت آن را در سیمای رهبری عادلانه و فقیهانه می‌بیند. این حکومت در حقیقت همان نظام ولایت فقیه است که از این پس مورد بحث ما می‌باشد.^۱

۲-۱- حکومت و مسئله مشروعیت

در اینجا به برخی از سخنان امام در رد مشروعیت‌های غیر الهی اشاره می‌شود و بعضی از مستندات قرآنی آن نیز ذکر می‌گردد:

امام از قرآن گواه می‌آورد که زور و قدرت، هیچ‌گاه نمی‌تواند حق را ایجاد بکند:^۲

«بشر هر چه زورمند باشد و دارای قدرت و سلطنت باشد، عقل حکم او را

حق نمی‌داند و بی‌جهت نمی‌پذیرد و سلطنت و حکومت او را ظالمانه و بی‌خردانه

می‌داند... أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا»^۳

آیات زیادی هست که بر رد مشروعیت مبتنی بر سلطنت و وراثت و قهر و غلبه و

مشروعیت‌های ناشی از غیر خدا و طبیعت انسانها دلالت دارد؛ از جمله:

^۱ - علیرضا، رجالی تهرانی، انواع حکومت در جهان، www.tebyan.ir، ۳/۲/۱۳۹۰ش؛ جمعی از نویسندگان، «انواع حکومت»، بانک جامع مقالات ولایت فقیه و حکومت اسلامی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶؛ محسن، کدیور، حکومت ولایی، چاپ پنجم، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸ش، صص ۱۲۹-۱۲۸.

^۲ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۶۷.

^۳ - مائده (۵)، آیه ۵۰؛ کشف‌الاسرار، چاپ نخست، بی‌جا، شرکت کتاب، ۱۳۸۸ش، ص ۱۸۳.

۱- آیاتی که مشروعیت حاکمانی مانند فرعون را رد کرده و حتی آن را طرد و ملامت می‌کند:

«وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذَرَكَ وَ
آلِهَتِكَ قَالَ سُنُقْتُلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ * قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ
اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱

در آیات فوق به روشنی مشروعیت از فرعون و پیروانش سلب و برای خدا و اهل تقوی قرار داده شده است.

۲- آیاتی که ظلم در آنها رد شده و برعدم تعلق رهبری معنوی و سیاسی به ظالمان

نیز تأکید شده است؛ معروف‌ترین آیه خطاب به حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌باشد:^۲

«قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۳

«ابراهیم گفت: این پیشوایی را به فرزندان من نیز عطا خواهی کرد؟ فرمود:

آری، اگر عادل و صالح و شایسته آن باشند که عهد من هرگز به مردم ستمکار

نخواهد رسید.»

۳- آیاتی که بر تساوی ذاتی انسانها تأکید دارد، مثل آیه زیر که تمام مشروعیت‌های

مبتنی بر طبیعت و ویژگیهای ذاتی انسانها را رد می‌کند، چرا که در این آیه ملاک تقوای

الهی است:^۴

^۱ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۶۷.

^۲ - اعراف (۷)، آیات ۱۲۸-۱۲۷.

^۳ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۶۸.

^۴ - بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

^۵ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۶۹.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱

در نتیجه همه مشروعیت‌های غیر الهی از دیدگاه امام مردود بوده و فقط مشروعیت

الهی پذیرفته شده است.^۲

۲-۲- حکومت مشروع

خداوند حق حکومت را به انبیا و اگزار کرد و آنها را برای حکومت بر مردم نصب نمود، از آیات قرآن چنین بر می‌آید که برخی از پیامبران مانند حضرت سلیمان، حضرت یوسف و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) حکومت تشکیل دادند و جامعه را بر طبق دستورهای الهی اداره کردند. در حقیقت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم ولایت در ابلاغ وحی داشت و هم ولایت در حوزه‌های اجرایی و قضائی:^۳

«رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود، تا

^۱ - حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

^۲ - نجف، لک زایی، همان کتاب، صص ۶۹-۶۸.

^۳ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۶۹؛ تورج، کوهستانی نژاد، محمد علی، صفا، روح الله، افضل، مبانی قرآنی حکومت و بررسی دیدگاه‌های امام خمینی، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۵ش، ص ۱۵۴.

اسلام را به وجود آورد.»^۱

آیاتی که بر حکومت مشروع الهی تأکید دارد در چند بند قابل طبقه بندی است:

۱- آیاتی که بر حقانیت و مشروعیت حکومت پیامبران الهی اشاره دارد:^۲

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ»^۳

«پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود(علیه السلام) امیر آنها جالوت را

کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود.»

آشکارا اعطای منصب و حکومت و سیاست از طرف خدا به داود داده شده است:^۴

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا

وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي

الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۵

همچنین از این آیه چند نکته در حکومت اسلامی ایران قابل توجه است: اول

اینکه «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ» یعنی حق حاکمیت فقط مال خداست و این حاکمیت طالوت با اذن

خداوند است که امام نیز همین را می گفت. دوم اینکه حاکمیت بر اساس لیاقت، تقوا و علم

است، نه با زور و قدرت فراوان، در نتیجه، آگاهان باید حاکم باشند نه جاهلین.^۶

^۱ - امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۲۵.

^۲ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۰.

^۳ - بقره (۲)، آیه ۲۵۱.

^۴ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۱.

^۵ - همان، آیه ۲۴۷.

^۶ - مصطفی حسن، بهشتی، «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی»، مجموعه مقالات

در آیه شریفه (۶۷) سوره مائده که در غدیر خم در برگشت از حجة الوداع بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شد. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱ در پی این آیه بود که حضرت دستور توقف دادند و حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خود اعلام فرمودند: «... معاشر المسلمین! أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، وَاللَّهُمَّ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِرٍ مَنْ عَادَاهُ»^۲.

آیاتی وجود دارد که بر اطاعت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در کنار اطاعت از خدا تأکید شده است:^۳

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^۴

به نقل از کتاب در آمدی بر مستندات قرآنی امام خمینی، علامه طباطبائی نظریه برخی از مفسران را که گفته‌اند تکرار «أَطِيعُوا» در آیه برای تأکید است رد کرده و می‌گوید

همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، ج ۱، چاپ اول، مدرسه عالی امام خمینی با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - دفتر قم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۷۷.

^۱ - مائده (۵)، آیه ۶۷.

^۲ - عبدالحسین، امینی، ترجمه الغدیر، ج ۲، چاپ پنجم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۸ ش، ص ۳۴۱.

^۳ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۲.

^۴ - نساء (۴)، آیه ۵۹.

تکرار «أَطِيعُوا» دلالت دارد بر این که پیامبر، علاوه بر امور و حیانی که در اختیار مردم می‌گذارد و آنها را به آنها امر و نهی می‌کند، اوامری نیز بر مبنای صواب دید خود صادر می‌کند که خداوند متعال، با این بیان به آن اوامر مشروعیت بخشیده و دستور وجوب و ضرورت اطاعت داده است.^۱ در این آیه، نیز دستور به اطاعت از اولو الامر در چارچوب اوامر الهی صادر شده است.

۲- آیات مربوط به امامت: آیاتی از جمله ولایت، تطهیر و مودت ذی القربی، بر مشروعیت رهبری الهی در خط امامت دلالت می‌کند که برای اختصار به همین سه آیه اکتفا می‌گردد.^۲

الف) آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ

الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^۳

مشهور است که این آیه در حق حضرت علی (علیه السلام) نازل شده است.

بنابراین بر ولایت و امامت ایشان دلالت دارد.^۴

^۱ - سید محمد حسین، طباطبایی، المیزان، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش، صص ۴۱۴-۴۱۳.

^۲ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۲.

^۳ - مائده (۵)، آیه ۵۵.

^۴ - حسن عباس حسن، الصیاعة المنطقیه للفکر السیاسی الاسلامی، بیروت، الدار العالمیه للطاعة و

النشر، ۱۹۹۲م، ص ۲۶۵؛ حسن عباس حسن، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه: مصطفی، فضائی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۸۳.

ب) آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۱

از این آیه عصمت امام علی (علیه السلام) استفاده شده است. چرا که شیعه معتقد

است که با توجه به لزوم عصمت امام، آیه دلالت بر امامت امام علی (علیه السلام) دارد.^۲

ج) آیه مودت: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۳

محبت خویشاوندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دلیل بر عصمت و

وجوب اطاعت و پیروی از آنها می‌دانند. وجوب مودت در آیه که به صورت مطلق ذکر

شده، مستلزم وجوب اطاعت مطلق است.^۴

آیاتی هست که بر ضرورت عادل بودن کارگزاران حکومت اسلامی و امین بودن

آنها و نیز عالم بودن آنها به قوانین و دستورات الهی دلالت دارد. به برخی از این آیات به

عنوان مستندات نظریه ولایت فقیه عادل واجد شرایط شرعی امام اشاره می‌کنیم:^۵

^۱ - احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

^۲ - جلال الدین، سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، قم - ایران، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۸؛ محمد تقی، حکیم، الاصول العامه للفقہ المقارن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶۵؛ حسن عباس حسن، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، همان، ص ۳۸۸.

^۳ - شوری (۴۲)، آیه ۲.

^۴ - محمد حسن، مظفر، دلائل الصدق، ج ۲، قاهره، دارالعلم للطباعة، ۱۹۷۶م، ص ۱۱۲۵؛ حسن عباس حسن، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، همان، ص ۴۰۵؛ داود، فیرحی، همان کتاب، ص ۱۸۳.

^۵ - نجف، لک زایی، همان کتاب، صص ۷۴-۷۲.

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ * وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۱

در این آیه بر شرط علم و دانایی تأکید شده است: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا»؛ یعنی یوسف به حکم خداوند، حاکم گردید؛ چون خداوند دید که یوسف، هم حفیظ و هم علیم است؛ در حکومت اسلامی ایران نیز همین اتفاق افتاد؛ چون مبنای حکومت اسلامی قرآنی بود. از این رو امام آمد، مال مردم؛ یعنی بیت المال را از چنگ غاصبان و متجاوزان جهان خوار بیرون آورد و مال مردم را به مردم رساندند؛ چون امام راحل هم حفیظ بود و هم علیم.^۲

گفتنی است امام خمینی در ذیل استدلال و استناد به مقبوله عمر بن حنظله برای اثبات ولایت فقیه، به مناسبت آیه‌ای که در مقبوله آمده، به طور ضمنی بر مشروعیت رهبری فقیه جامع شرایط در زمان غیبت، به آیاتی از قرآن استناد کرده است. آنجا که می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ...»^۳

امام، آیاتی را به مناسبت آیه ذکر شده در حدیث مورد بررسی قرار داده که از این

قرار است.^۴

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۵

^۱ - سوره یوسف (۱۲)، آیات ۵۶-۵۵.

^۲ - مصطفی حسن، بهشتی، «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی»، مجموعه مقالات

همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، ج ۱، ص ۳۷۸.

^۳ - نساء (۴)، آیه ۶۰؛ امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، صص ۹۰-۸۹.

^۴ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۵.

بِالْعَدْلِ^۱

«در روایت ... آمده که مقصود از این آیه ما، یعنی ائمه (علیهم السلام) هستیم،^۲

... در ذیل آیه می‌فرماید: **وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ**؛ «وقتی که حاکم

شدید، برپایه عدل حکومت کنید» ...^۳

در نظر حضرت امام مفهوم «حکم» در آیه، هم شامل قضاوت - که شأن قاضی

است - می‌شود و هم حکومت را - که شأن زمامداران است - در بر می‌گیرد. برای اثبات

این مدعا به حدیثی که در مجمع البیان ذیل این آیه آمده و نیز به آیه دیگری از قرآن

استناد کرده است، حدیث چنین است: **«أمر الله الولاة و الحکام ان يحكموا بالعدل والنصفه»**؛^۴

خداوند به فرمانروایان و حاکمان دستور داده است که با عدالت و انصاف حکم برانند.^۵

برای اثبات محتوای برداشت شده از مفهوم «حکم» آیه‌ای که به آن استناد

شده از این قرار است:^۶

^۱ - نساء (۴)، آیه ۵۸.

^۲ - محمد بن یعقوب، الکلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق، صص ۲۲-۲۴.

^۳ - ابن هاشم، عبد الملک بن هشام، سیره النبویه، با تعلیق عمر بن السلام، ج ۳ و ۴، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق، صص ۲۴۶-۲۳۳؛ محمد بن جریر، طبری، تاریخ طبری، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، لبنان، دارالثرات، بی تا، ص ۲۴۵؛ امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، صص ۸۶-۸۴.

^۴ - فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، بیروت، مکتبه الحیاة، بی تا، ص ۱۳۵.

^۵ - امام خمینی، شؤون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مبحث ولایت فقه از کتاب البیع حضرت امام خمینی، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ش، ص ۴۹.

^۶ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۵.

«يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»^۱

«ای داود، همانا تو را در زمین خلیفه قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن.»

در آیه بعدی آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»^۲

از منظر امام نزاعی که در این آیه مطرح شده، شامل تمام منازعات و اختلافات

می‌شود؛ خواه اختلاف حقوقی باشد یا کیفری، مرجع این منازعات عموماً رهبر و حاکم

است و نه قاضی، به خصوص که این مطلب در آیه به دنبال وجوب پیروی و اطاعت از

پیامبر و اولی الامر آمده است.^۳

سومین آیه که پس از این آیه آمده نیز نشان می‌دهد که سخن امام صادق(علیه

السلام) بر نصب فقیه، به عنوان رهبر سیاسی و حاکم، دلالت دارد:^۴

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ

يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»^۵

به باور امام، مفهوم «طاغوت» - که در آیه آمده - اگر تنها بر سلاطین جور و زمامداران

^۱ - ص (۳۸)، آیه ۲۶.

^۲ - نساء (۴)، آیه ۵۹.

^۳ - امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه، همان، صص ۴۹-۵۰.

^۴ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۶.

^۵ - نساء (۴)، آیه ۶۰.

ستم پیشه دلالت نکند، باید گفت مفاد آیه، اعم از قضات و زمامداران است.

تحریم دادخواهی از قدرتهای ناروا، حکم سیاسی اسلام است. طبق فرمان امام صادق(علیه السلام) مرجع امور سیاسی و قضایی و فرمانروایی در زمان غیبت و نیز در عصر حضور، مادامی که دسترسی به امام معصوم وجود ندارد، فقها هستند.^۱

همانطور که گفته شد خداوند پیامبر(صلی الله علیه وآله) را برای رهبری و حکومت

نصب نمود. با توجه به سوره احزاب آیه(۶) این منصب برای علما هم ثابت می شود.

«... ما می توانیم از آیه شریفه النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ^۲ استفاده کنیم که

منصب «ولایت» برای علما هم ثابت است ... چنانچه در مجمع البحرین در ذیل این

آیه شریفه روایتی از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند «این آیه

در مورد امارت(حکومت و ولایت نازل شده است)...»^۳

امام بارها بر اهمیت جایگاه مردم تأکید کرده است، چراکه خداوند امور را از مجاری

آنها انجام می دهد و بنا ندارد که بدون سعی مردم چیزی را به زور بر آنها تحمیل کند:^۴

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۵

نقش مردم در تعیین رهبر، مهمترین نقشی است که امام برای مردم ذکر کرده اند:

^۱ - امام خمینی، شوون و اختیارات ولی فقیه، همان، صص ۵۶-۵۰؛ امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، صص ۹۵-۹۲.

^۲ - احزاب (۳۳)، آیه ۶.

^۳ - فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، بیروت، مکتب الهلال، ۱۰۸۵ق، ص ۴۵۷؛ امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۱۰۰.

^۴ - نجف، لک زایی، همان کتاب، صص ۷۶-۷۵.

^۵ - انسان(۷۶)، آیه ۳.

«اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین

کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند ... قهراً او مورد قبول مردم است.»^۱

برخی از آیاتی که می‌تواند مستند توجه به نقش مردم باشد عبارتند از:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲

همچنین از این آیه به خوبی «نظریه ولایت فقیه» استفاده می‌شود؛ چون بدون یک

حکومت صالح و عدالت مدار، نمی‌توان امر به معروف و نهی از منکر انجام داد.^۳

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ

آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ»^۴

این آیه‌ها که درباره وظیفه جمعی سخن گفته‌اند دلالت کننده بر مسئولیت و نقش

نظارتی مردم هستند، آیاتی هم هست که پیغام‌شان این است که نمی‌توان مردم را به اطاعت

و ایمان وادار کرد:

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۵

مُؤْمِنِينَ»^۵

^۱ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷۱.

^۲ - آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴.

^۳ - احمد، آذری قمی، ولایت فقیه از دیدگاه قرآن کریم، قم، دارالعلم، ۱۳۷۱ش، ص ۷۵.

^۴ - آل عمران (۳)، آیه ۱۱۰.

^۵ - یونس (۱۰)، آیه ۹۹.

«و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان

می‌آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند.»

«وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ

بِالْمُؤْمِنِينَ^۱

«به راستی ما آیاتی روشن‌گر فرستادیم و خداوند هر که را بخواهد به راه راست

هدایت می‌کند»، «و می‌گویند: ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و فرمان می‌بریم، اما

گروهی از آنان بعد از این [اقرار]، پشت می‌کنند و آنان مؤمن واقعی نیستند.»

«إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرُ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ^۲؛ و تنها به یاد آورنده‌ای، بر آنها سیطره نداری.»

رهبران الهی وظیفه خود را انجام می‌دهند، اگر مردم به آنها گرویدند به سعادت

می‌رسند، در غیر این صورت خودشان زیان می‌کنند.

«وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^۳»

انتخاب مردم مربوط به قبل از تشکیل حکومت است، اما پس از آن که حکومت

اسلامی تشکیل شد، همگی در چارچوب قوانین حکومت اسلامی قرار می‌گیرد و تعدی

و تجاوز از حدود به هیچ وجه جایز نیست؛^۴ اعتقاد امام خمینی نیز همین است:

اینها آزادی را درست بیان نمی‌کنند یا نمی‌دانند. در هر مملکتی آزادی در حدود قوانین

^۱ - نور (۲۴)، آیه ۴۷.

^۲ - غاشیه (۸۸)، آیه ۲۲.

^۳ - عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۸.

^۴ - نجف، لک زایی، همان کتاب، ص ۷۸.

آن مملکت است، مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند. قوانین ایران قوانین اسلام است.^۱

۳- رسالت جهانی حکومت اسلامی ایران

زمانی که برخی از افراد تز جدایی دین از سیاست را مطرح کردند، در یک اوضاع تاریک و مبهم، و با این تفکر بود که امام پرچم مبارزه جدایی دین و سیاست را برافراشت و حوزه و روحانیت را که یک حالت سیاست گریزی به خود گرفته بود را برای مبارزه با جدایی دین از سیاست فرا خواند، و این حصاری که مثلث شوم استکبار جهانی، حاکمان فاسد اسلامی و قلم زنان دور از اسلام و مسلمین که حتی به حوزه‌های علمیه کشیده شده بودند را شکست. همین طور چون ایشان دین اسلام را به عنوان یک منظومه فکری جامع و ابدی می دانستند برای آن رسالت جهانی قائل شدند.^۲

شواهدی از قرآن بیان می‌گردد که مشخص می‌شود، این مبنای امام کاملاً یک مبنای قرآنی است.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳

«اوست خدایی که رسولش را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر

^۱ - کاظم، قاضی زاده، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷ش، ص ۳۳۷.

^۲ - مصطفی حسن، بهشتی، «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی»، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، ج ۱، ص ۳۷۴.

^۳ - توبه (۹)، آیه ۳۳؛ صف (۶۱)، آیه ۹.

چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند. »

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۱

« اوست خدایی که رسولش را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را بر

همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد! »

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»^۲

«بگو: ای مردم، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم»

«وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^۳

«در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست!»

این آیات به خوبی جهانی بودن اسلام را نشان می‌دهد؛ در رسالت جهانی حکومت

اسلامی، مبارزه با تفکر جدایی دین از سیاست نقش به سزایی دارد، لازمه تفکر جدایی دین

از سیاست، نفی رسالت جهانی دین است.^۴ از این رو امام خمینی برای اثبات رسالت

جهانی دین با تفکر انحرافی و استعماری، جدایی دین از سیاست، مقابله نموده و فرمودند:

«اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین

و نه برای ایران ... پیغمبراهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور

^۱ - فتح (۴۸)، آیه ۲۸.

^۲ - اعراف (۷)، آیه ۱۵۸.

^۳ - قلم (۶۸)، آیه ۵۲.

^۴ - مصطفی حسن، بهشتی، «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی»، مجموعه مقالات

همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸۷.

نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.»^۱

بنابراین امام خمینی عامل انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی و در نهایت مستعمره شدن آنها را عمل نکردن به ارزش‌های قرآنی می‌داند و معتقد است علاوه بر زمینه‌های داخلی در جدا کردن قرآن از زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان، استعمارگران نیز در این زمینه نقش داشته اند؛ در واقع تر جدایی قرآن و دین از سیاست پیوسته از سوی مبلغان صلیبی و صهیونیست‌ها مطرح شده است. از وقتی که قدرت‌های مسلط بر جوامع اسلامی، از ارزش‌های اسلامی تهی دست و بیگانه شدند و قرآن را که ناطق به حق و فرقان حق و باطل بود، مزاحم خود یافتند، کوشش برای بیرون راندن کلام خدا از صحنه زندگی آغاز شد و به دنبال آن جدایی^۲.

۴- مبانی قرآنی حکومت اسلامی امام خمینی (رحمت الله علیه)

در این قسمت به برخی از شاخصه‌های اصلی مبانی قرآنی امام خمینی در حکومت اسلامی ایران اشاره می‌شود.

^۱ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

^۲ - عبدالله، نظرزاده، آموزه‌های سیاسی قرآن، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۵، ۱۳۸۰ش، صص ۴۵-۴۰.

۴-۱- قیام لله

امام راحل تنها در سخنرانی‌ها و پیام‌ها، بیست و هشت بار آیه (۴۶) از سوره سبأ را تکرار می‌کند و این به جز آن چیزی است که در سوره حمد آورده‌اند، به همین دلیل در یک جمله کوتاه و ساده به هر دو بعد فردی و اجتماعی اشاره می‌کند.^۱

«یکتا موعظه خدا را با دل و جان بشنو، با تمام توان بپذیر و در آن خط سیر

نما: **قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ.**^۲ میزان در اول سیر، قیام لله

است هم در کارهای شخصی و انفرادی و هم در فعالیت‌های اجتماعی.»^۳

اما از آنجا که ایشان در فرازهای گوناگون این آیه را تکرار کرده و چون به صورت

پراکنده نقل شده، جا دارد، فقط به نکات مهم آن اشاره شود.

در توصیف قیام و شناخت و ویژگی‌ها، هم باید به آثار و نتایج آن توجه کرد، هم ابعاد آن را شناخت. بعد وجودی قیام در جامعه وحدت کلمه و دفع نزاع و اختلاف است. در این قیام کیفیت بر کمیت برتری دارد. همچنین ایشان قیام جهادی را در مقابل ستمگران و مفسدین و طواغیت و سرنگونی آنان به عنوان قیام اجتماعی می‌داند. اگر قیام برای خدا نشد شیطانی و طاغوتی است. اگر چه غلبه بر ظلم و ظالم باشد، زیرا در نهایت منتهی به ظلم دیگر و ایجاد طاغوتی دیگر خواهد شد. باید قیام جمع به قیام واحد منتهی شود عدیل

^۱ - سید محمد علی، ایازی، تفسیرقرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی، ج ۱، بی جا، ستاد

شناخت و ترویج اندیشه‌های امام، ۱۳۸۳ش، ص ۳۱۵.

^۲ - سبأ (۳۴)، آیه ۴۶.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۱۲.

این قیام استقامت است، باید استقامت باشد تا نتیجه بدهد و مثمر ثمر باشد.^۱

۴-۲- استکبارستیزی

امام از همان آغاز، حکومت اسلامی خود را بر اساس «استکبارستیزی» بنیان نهاد.

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...»^۲

«در این آیه شریفه که تلاوت کردید نکات زیادی هست، من جمله اینکه-البته

من همه نکات را نمی‌توانم عرض کنم- می‌فرماید: مَنْ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. که از خودشان

یک کسی را فرستادم... و یکی از کارهایش هم این بود که همین جمعیتِ مستضعفِ

مقابل مستکبر را تجهیز می‌کرد با تبلیغاتی که می‌کرد... برضد مستکبرین...»^۳

امام با توجه به آیات قرآن با اطمینان کامل، همه مستضعفان جهان را به خود آگاهی

و رویا رویی با جبهه استکبار فرا می‌خواند:

«این اسلامی است که طرفدار «مستضعفین» است: وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ

اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۴ ... منطوق مستکبرین همین بود

که استکبار [می‌کردند] تکبر می‌فروختند بر جامعه؛...»^۵

درجایی دیگر ایشان به این نکته اشاره می‌کنند که خداوند در برابر سرکش‌ترین افراد،

^۱ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۴، صص ۵۷۶-۵۷۴.

^۲ - آل عمران (۳)، آیه ۱۶۴.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۹، صص ۱۷۱-۱۶۸.

^۴ - قصص (۲۸)، آیه ۵.

^۵ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۱.

متواضع‌ترین نوع بشر را مبعوث کرد، چنانچه فرمود: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا

وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»^۱ و پشت او را نیز به برادر بزرگواری مثل هارون قوی کرد.^۲

از پیام‌های اجتماعی و تحریک آفرین امام، اعلان برائت از مشرکین در پیام‌های حج

است. شیوه سخن امام در این پیام‌ها از سر حساسیت و زمان شناسی و احساس خطر

نسبت به جهان اسلام از سوی آمریکا و صهیونیست‌ها است.^۳

«اعلان برائت از مشرکان ... از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است ... وَأَذَانٌ

مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ...»^۴

۴-۳- نفی سبیل

قاعده نفی سبیل به عنوان یک اصل فقهی نقش پایدار و تأثیرگذاری بر رفتار،

تصمیمات و سیاست‌های کلان حکومت اسلامی دارد.^۵

«قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار

^۱ - همان، آیه ۱۴.

^۲ - امام خمینی، آداب الصلاة، چاپ شانزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش، صص ۲۳۸-۲۳۷.

^۳ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۳، ص ۵۰۴.

^۴ - توبه (۹)، آیه ۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۳۱۵-۳۱۴.

^۵ - بهادر، زارعی، علی، زینی‌وند، کیمیا، محمدی، قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶، بهار ۱۳۹۳ش، ص ۱۶۷.

نداده است ... لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^۱»

یکی از دلایل نفی سبیل، ممکن است، علت سیاسی داشته باشد و آن جلب نظر مسلمانان باشد به این که خروج از زیر سلطه کفار به هر وسیله‌ای که باشد، لازم است؛ زیرا مسلط شدن کفار بر مسلمانان و بر کشور اسلامی از جانب خدا نیست؛ و خداوند متعال از چنین چیزی ابا دارد که خداوند فرموده: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۲.

۴-۴- عدالت

امام خمینی مسئله عدالت را به عنوان مهمترین دغدغه فکری بشر و انبیاء می‌دانستند.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ

أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ»^۳ هدف بعثتها به طور کلی این است که مردمان بر اساس

روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند ...^۴

امام در مورد تلاش دائمی پیامبر برای ایجاد عدالت می‌فرماید:

کدام روز پیغمبر خالی از این مسائل سیاسی، اجتماعی و از جنگ بود؟ به دلیل اینکه

خداوند بیانات، میزان و حدید فرستاده: «لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۵.

امام اعتقاد داشتند که، کسانی که پاسدار اسلام و قرآن هستند، باید به همان نحو که

^۱ - نساء (۴)، آیه ۱۴۱؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۷.

^۲ - همان، ص ۱۸۳؛ منافقون (۶۳)، آیه ۸.

^۳ - حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

^۴ - امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۷۰.

^۵ - همان، صص ۲۱۷-۲۱۶.

مولا(علیه السلام) مظهر عدالت و رحمت بود، آنها هم اقتدای به آن حضرت کنند.»^۱ «أَشِدَّاءُ

عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱

در پیام به مسیحیان جهان در میلاد حضرت عیسی امام چنین توصیه می‌کند که:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى

أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۲ خوشا به حال آنان

که گرسنه و تشنه عدالتند... خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می‌کشند؛...»^۳

قرآن یک کتاب مبارزه است در مقابل مشرکین؛ مشرکینی که قدرتمند بودند. بنابراین

دیدگاه امام خمینی در رویارویی اسلام با قدرتمندان این است که «فَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً»^۴.

امام در بهره‌گیری از دعوت به صراط‌المستقیم می‌فرماید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ،

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^۵. شما به همین راه مستقیم که

راه انسانیت، راه عدالت، راه جانبازی برای اسلام و عدالت اسلامی است بروید.^۶

۱ - فتح (۴۸)، آیه ۲۹؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۵.

۲ - مائده (۵)، آیه ۸.

۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، صص ۳۷۶-۳۷۵.

۴ - توبه (۹)، آیه ۳۶؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۹۲.

۵ - فاتحه‌الکتاب (۱)، آیات ۷-۵.

۶ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۷؛ امام خمینی، تفسیر سوره حمد، چاپ یازدهم،

تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۴۲.

۴-۵- وحدت

یکی از ضروری‌ترین نیازهای زندگی در حیات امت اسلامی وحدت و انسجام جهان اسلام است. از این رو در آموزه‌های مهم قرآنی بر این اصل تأکید فراوان شده است.^۱ به فرمایش امام سیادت در وحدت کلمه است:

«تا وحدت کلمه نباشد، تا رؤسای اسلام، وحدت کلمه در خودشان ایجاد نکنند، ...

سیادت نمی‌توانند بکنند. ... **لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ**»^۲

همچنین در مورد آثار منفی اختلاف در ایمان فردی و در میان جامعه می‌فرمایند:

«و از تفرق و تنازع بپرهیزید **وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ** رنگ و بوی

ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته‌بندیهای موافق با

هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود...»^۳

ایشان دو کلمه را رمز پیروزی می‌دانند: این دو تا کلمه: وحدت کلمه و اسلام است.

و عمل به آیه کریمه **«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**»^۴.

امام از این آیه در جهت دعوت به اتحاد و پرهیز از اختلاف استفاده کرده و هر بار

متناسب با شرایط اجتماعی به بیان جنبه‌ای از آیه می‌پردازند که اهم آنها نکات زیر است:

^۱ - محمد امین، صادقی ارزگانی، **جلوه‌های قرآنی در نگاه امام خمینی**، دفتر قم، مؤسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۵۴.

^۲ - منافقون (۶۳)، آیه ۸؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۵.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

^۴ - همان، ج ۸، ص ۵۰۵.

راه رسیدن به اتحاد از نظر امام، حسن ظن داشتن به یکدیگر است، و در مقام تحقق عینی این آیه شریفه، همبستگی و انسجام را عامل پیروزی معرفی می‌کند، و ترک اتحاد را شکست انقلاب و بهره مندی دشمن می‌داند. امام یکی از موانع اتحاد را همین گروه بازی و ایجاد احزاب در جهت از هم پاشی ملت می‌داند. نکته دیگر اینکه قرآن و پیامبر مصداق حبل الله هستند و سعادت‌مندی جامعه اسلامی و راه غلبه بر دشمنان در سایه تمسک به ریسمان الهی به دست می‌آید. آنگاه امام در فرازی دیگر در سطح بین‌المللی، مشکل جهان اسلام به ویژه دولت‌های اسلامی را اختلاف می‌داند و آشکارا یادآوری می‌شود که در گذشته چون دولت‌های مسلمان (مانند دولت عثمانی) از یکپارچگی بیشتر برخوردار بودند، با اقتدار بیشتر عمل کردند. همچنین این دعوت تنها اختصاص به مسلمانان ندارد؛ بلکه هر قشر یا هر کشور تنها در سایه اتحاد می‌تواند دشمن را به زانو در آورد و از عریده‌های قدرت‌های استعماری نهراسد. و ایشان توجه دادن به ابعاد اجتماعی قرآن و حل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور را تنها در سایه اتحاد میسر می‌داند.

نکاتی که امام در مورد اتحاد فرمودند به ظاهر می‌نمایاند که ایشان در مقام تطبیق آیه با حوادث روز هستند؛ اما در کل نگاه جامع و تحلیل گونه‌ای از توصیف وحدت ارائه داده اند، که می‌تواند از جنبه‌های دیگر قابل ارزیابی باشد، به طور مثال امام تنها به دنبال وحدت میان مسلمانان نبود؛ بلکه به دنبال وحدت میان مستضعفان جهان در برابر مستکبران بود.^۱

^۱ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۲، صص ۴۹۳-۴۹۰.

۴-۶- مبارزه

امام با حضورش در میدان مبارزه با حکومت طاغوتی و پیروی از مقام علمی و عملی ائمه (علیه السلام) در برابر هیچ ظلمی و در دفاع از حق هیچ مظلومی کوتاه نمی‌آمد.^۱

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۲»

اراده خداوند متعال بر آن است ... مستضعفین را از قید حکومت طاغوتی آزاد و

سرنوشت آنان را به دست خوشان بسپارد...^۳

دستور قرآن کریم است که از اوصاف مؤمنین صدر اسلام و اینها نقل می‌فرماید که

اینها در بین خودشان رحیم هستند و وقتی به کفار می‌رسند با شدت برخورد می‌کنند.

«رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ خُودشان با هم با رحمت رفتار می‌کنند؛ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ^۴. وقتی به

کفار می‌رسند، شدت.»^۵

سید جمال الدین اسدآبادی نخستین کسی بود که با توجه به سوره رعد آیه (۱۱)

دعوت به احیای جامعه و مبارزه با عقب ماندگی و تلاش برای اصلاح رانفسیر کرد؛ چنانکه

دیگر مصلحان نیز از این آیه نیز چنین تفسیری ارائه داده‌اند.^۶ از این رو امام می‌فرمایند:

^۱ - حسین، حسین زاده برسمانی، «تجلی قرآن در وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی»،

مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی، ج ۱، ص ۴۳۰.

^۲ - قصص (۲۸)، آیه ۵.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۳۷.

^۴ - فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

^۵ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۹، صص ۳۸۶-۳۸۵.

^۶ - محمدعلی، ایازی، همان کتاب، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۰؛ فاطمه، گودرزی، اندیشه‌های اصلاح‌گراانه امام خمینی

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ یک واقعیتی است. به این معنا که تغییراتی که در یک ملتی، حاصل بشود، این منشأ یک تغییرات تکوینی، جهانی می‌شود. پس با توجه به آیه بالا خداوند تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه ما خودمان، خودمان را تغییر بدهیم.^۲

همچنین به این دلیل که هر حکومت غیر اسلامی، نظامی شرک آمیز است چون حاکمش طاغوت است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»^۳ زیرا در این شرایط اجتماعی و سیاسی، انسان مؤمن و متقی و عادل نمی‌تواند زندگی کند.^۴

یکی از شعارهای اساسی حکومت حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم است. ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ».^۵

۴-۷- شهادت

شهادت از جمله مفاهیم والایی است که ویژه قیامها و انقلاب‌های مکتبی و الهی است. انقلاب ما از این قائده مستثنی نبوده، بلکه با بهره‌گیری از فرهنگ غنی و متعالی

درمقایسه با سیدجمال الدین اسدآبادی، بی‌جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، معاونت پژوهی، بی‌تا، ص ۶۱.

^۱ - رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

^۲ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، صص ۱۲۹-۱۲۸؛ امام خمینی، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲۰.

^۳ - قصص (۲۸)، آیه ۴.

^۴ - امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۱۵۰.

^۵ - بقره (۲)، آیه ۲۷۹؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۸۱.

اسلام، شهادت را که می‌رفت به دست فراموشی سپرده شود، امام روح و حیات تازه بخشید.^۱ از قسمت‌های بسیار جالب، پیام‌های امام جایگاه شهادت است. ایشان در ضمن تصویرسازی، از موضوع قرآنی وام می‌گیرد و موضوع مورد نظر را با زیبایی و لطافت، نگاره پردازی می‌کند، و در ضمن تصویرسازی شهادت آیه «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ» و آیه: «آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ». را به شکل زیبایی در تثبیت موضوع به کار می‌گیرند.^۲

«وجود رادمردانی که راه شهادت را برگزیده‌اند و ... از جرعه ارْجِعِي إِلَىٰ

رَبِّكِ^۳ به رؤیت جمال و کشف رضایت حق نایل آمده‌اند. و كَفَىٰ بِهِمْ فَخْرًا و چه غافلند

دنیاپرستان و بیخبران که ارزش شهادت را در صحیفه‌های طبیعت جستجو می‌کنند و

... به شهیدان باید گفت: آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»^۴

شهادت از امور معنوی و پایدار است و این شهدا زنده هستند و در پیش خداوند

«عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»،^۵ چرا که خداوند آنها را پذیرفته است و می‌پذیرد ...^۶

^۱ - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، با همکاری بنیاد شهید انقلاب اسلامی، اینار و شهادت در مکتب امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ش، ص ۱.

^۲ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۱، ص ۲۴۳.

^۳ - فجر (۱۹)، آیه ۲۸.

^۴ - مائده (۵)، آیه ۲۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۱۹۷-۱۹۶.

^۵ - آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

^۶ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

شرف و بزرگی شهدا زنده ماندن نزد خداست، و ورود در «ضیافه الله» است و آیا

این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»^۱

قتال در راه خدا و نجات مستضعفین در رأس برنامه‌های اسلام است. «مَالِكُمْ

لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»^۲ ما برای فداکاری حاضر

و برای شهادت در راه خدا مهیا هستیم.^۳

«شهدا ... خود را نمی‌بینند و ... برای خودشان شخصیتی قائل نیستند، در مقابل حق

تعالی . آنها هم حجاب را بر می‌دارند فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَّاءً»^۴

تجلیل از شهیدان در راه خدا آن قدر رفیع است که نمی‌توان با سنجشهای بشری و

انگیزه‌های عادی ارزیابی کرد. از این رو امام می‌فرمایند:

«وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» این اجر

عظیم که به قلم با عظمت عظیم مطلق وعده داده شده است، ... این اجر عظیم همان

حب خداوند تعالی است که در سوره مبارکه صف آمده است: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ»^۵ ... آیا این حب نافله است که در نتیجه

^۱ - فجر (۱۹)، آیات ۲۹-۳۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، صص ۳۲۶-۳۲۵.

^۲ - نساء (۴)، آیه ۱۷۵.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۷۹.

^۴ - اعراف (۷)، آیه ۱۴۳.

^۵ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، صص ۵۱۵-۵۱۴.

^۶ - نساء (۴)، آیه ۷۴.

^۷ - صف (۶۱)، آیه ۴.

تقرب به آن بنده خاکی پا بر سر ملک و ملکوت اعلا نهد و حق - جل و علا - با جاذبه

غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود ... هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ^۱»^۲

۴-۸- عدم اتکا به ظالمان

امام خمینی ضمن تأیید بر «ماهیت ضداستعماری» انقلاب، هدف حکومت اسلامی را خارج شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست (شرق و غرب) و در نهایت «شکست ابرقدرت‌ها» می‌دانستند،^۳ و از سوی دیگر نیز تأکید داشتند که باید دولتهای منطقه هم بدانند که در وقت ناملایمات و مشکلات آنان، امریکا و هیچ قدرت دیگر پشتیبانی از آنان نخواهند کرد، به این دلیل که خداوند متعال می‌فرماید: «النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۴

۱ - حدید (۵۷)، آیه ۳.

۲ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۹۱.

۳ - محمدرضا، دهشیری، نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، مجله حضور، شماره ۲۶،

زمستان ۱۳۶۶ش، صص ۸۴-۸۳.

۴ - یونس (۱۰)، آیه ۱۱۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۳.

۴-۹- آمادگی دفاعی

از دیر باز تاکنون و در جوامع مختلف، توجه به دفاع و تقویت انگیزه دفاعی در

مردم، در رأس برنامه ریزیهای هر حکومت و نظام بوده است.^۱

امام درباره آمادگی دفاعی مسلمین در حکومت اسلامی با توجه به این آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا

اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»^۲ فرموده اند که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید و ایشان اعتقاد

داشتند که، ما متحد و نیرومند و آماده نبودیم که دستخوش تجاوزات بیگانه شده و ظلم

می بینیم. ^۳ در جای دیگر ایشان می فرمایند:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ

آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ

أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ»^۴

یعنی ساز و برگ جنگ را برضد دشمنان آماده کنید، که دشمنهای خدا و هر کس

در جهان هست، او را بشناسید، یا نشناسید، از نیروهای با عظمت شما بترسد، زیرا با این

آماده بودن مورد طمع دیگران و ستمکاری آنان قرار نخواهید گرفت.^۵

^۱ - اسماعیل، منصوری لاریجانی، سیری در اندیشه دفاعی امام خمینی، تهران، بنیاد حفظ آثار و

ارزشهای دفاع مقدس، مدیریت انتشارات ادبیات، ۱۳۷۷ش، ص ۹.

^۲ - انفال (۸)، آیه ۶۰.

^۳ - امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، صص ۳۴-۳۳.

^۴ - انفال (۸)، آیه ۶۰.

^۵ - امام خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۴۴.

۴-۱۰- جهاد

امام با توجه به آیه (۱۲۴) از سوره توبه خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران در

مورد جهاد می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اَقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ
جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^۱

خداوند تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و

اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی تا قتل و عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج
عشیره، و واضح است که اینها از پیامد ترک جهاد است و نیز اشاره به این امر است آیه

کریمه «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲

جهاد امری بسیار مقدس است، چرا که آن اخلاص و محبت و آن ایثار در راه

خداوند متعال، بالاترین ارزش است. بنابراین امام در مورد ثواب جهاد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ

اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ»^۳ ... و شما که جان نثاری دارید می‌کنید و

ایثار می‌کنید ... آن پیش خدای تبارک و تعالی سنجش می‌شود»^۴.

^۱ - توبه (۹)، آیه ۲۴.

^۲ - نور (۲۴)، آیه ۶۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۳۱۳-۳۱۲.

^۳ - توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

^۴ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، صص ۱۹۸-۱۹۷.

۴-۱۱- جنگ

اصولاً خدا محوری و دین‌گرایی پایه اصلی اندیشه امام خمینی بوده و همیشه بر دفاع از حریم ارزشهای اسلام و قرآن تأکید کرده‌اند.^۱ امام، هدف از جنگ را، از بین بردن فتنه می‌دانست و در برابر شعار توده مردم، این نکته را متذکر شدند که:

« قرآن می‌فرماید: قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً^۲ همه بشر را دعوت می‌کند به مقاتله

برای رفع فتنه؛ یعنی «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم»، ...^۳

به فرمایش امام خمینی «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»^۴ بر این اساس ما و ملت

اسلامی از این جنگ تحمیلی هم خوشمان نمی‌آمد که دو طایفه از مستضعفان به تحریک مستکبران و تحریک امریکا و اغفال حزب بعث، به روی یکدیگر حربه و آتش بگشایند.^۵

بر همه مسلمین فرض است نخست به اصلاح بین دو گروه مسلمان پردازند و

چنانچه اصلاح ممکن نشد، باید با گروهی جنگ کنند که تجاوز را آغاز کرده است.

«مع الاسف، در عین حالی که در قرآن کریم است، اگر دو طایفه‌ای از مسلمین

با هم اختلاف کردند شما مصالحه بدهید بین آنها را، و یکی از آنها باغی باشد و طاغی

باشد، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا ... چرا ممالک اسلامی به آیه

^۱ - مهدی، مرندی، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی، ۱۳۷۸ش، ص ۴.

^۲ - بقره (۲)، آیه ۱۹۳.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۱۳.

^۴ - بقره (۲)، آیه ۲۱۶.

^۵ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۰۰.

شریفه‌ای که می‌فرماید **فَقَاتِلُوا آلَیْ تَبِیْعِ حَتَّى تَفِیءَ اِلَیْ اَمْرِ اللّٰهِ**^۱ چرا عمل نمی‌کنند؟^۲

۴-۱۲- استقامت

قیام ملت ایران نماد استقامت و پیروزی است، امام قیام و استقامت را دو شرط پیشبرد مقاصد می‌دانستند چرا که «در سوره «شورا» امر شده است برای خدا قیام کنید، امر دوم باقی مانده است: **«فَاسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ»**^۳ که استقامت کنید.^۴

استقامت آثار فروانی در زندگی فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد و یکی از این آثار ثبات روحی و ایجاد طمأنیه است که البته چنین روحی در جامعه از مهمترین امور است. دستور به استقامت همواره ناظر به حوادث حال نیست، چه بسا به دنبال دل‌نگرانی از آینده و حوادثی است که پیش بینی می‌شود و خداوند هم اکنون مردم را در برابر سختی‌ها آماده می‌کند. هر چند به پیامبر نیز این دستور به استقامت رسیده، پیامبر از استقامت خود نگرانی ندارد، نگرانی پیامبر از عقب نشینی دیگران است و استقامت امت، استقامت پیامبر است و استقامت، مفهوم جامع به تمام عوامل و افراد جامعه است.^۵

^۱ - حجرات (۴۹)، آیه ۹.

^۲ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۷۶.

^۳ - هود (۱۱)، آیه ۱۱۲.

^۴ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، صص ۴۹۴-۴۹۳.

^۵ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۴، صص ۶۷-۶۶.

۴-۱۳- پیروزی مؤمنین

امام خمینی در هر زمان و مکانی با فساد و اسلام آمریکایی که رژیم منحوس پهلوی حامل آن بود تا بذل جان مقابله می‌کرد و با اعتماد به نفس قوی و توکل بی‌حدی که بر خداوند متعال داشت، پیروز می‌گشت.^۱

دیدگاه امام در مورد شکست و پیروزی این است که، ما چه پیروز شویم درعالم ماده و چه غلبه بکنیم غلبه با ماست. پیغمبر اسلام هم در بعضی از جنگها شکست خورد، ولی در نهایت غلبه با او بود «انَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۲

رمز پیروزی امام اخلاص و ایمان بود، به همین سبب امام خطاب به مردم می‌فرماید:
«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳ نه سستی کنید و نه محزون باشید، اگر مؤمن هستید، علو رتبه دارید و از همه بالاترید. لکن مهم ایمان است...»^۴
شرایط تحقق سنت پیروزی در نگاه امام:

الف) ایمان: ایشان ایمان را عامل پیروزی ملت ایران می‌داند و در جای دیگر ایمان را عامل نجات مؤمنین از همه ظلم‌ها و ظلمت‌ها می‌دانند:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمْ

^۱ - حسین، حسین زاده برسمانی، «تجلی قرآن در وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی»، مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی، ج ۱، ص ۴۳۰.

^۲ - اسراء(۱۷)، آیه ۸۱؛ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، صص ۲۸۱ و ۱۶۲.

^۳ - آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹.

^۴ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، صص ۱۶۶-۱۶۵.

الطَّاعُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ كَسَانِي كِه با خدا باشند، توجه به خدا و ایمان

به خدا داشته باشند، خداوند آنها را از تمام ظلمتها، از تمام تاریکیها خارج می کند ...^۲

ب) یاری خدا: عمومی ترین شرط برای تحقق پیروزی این است که مؤمنین باید

پروردگار را یاری کنند. اما اینکه بنده خدا چگونه می تواند خدا را یاری کند مفسرین

می گویند: منظور از نصرت خدا، نصرت و یاری دین خدا و پیامبر خداست.^۳ امام می فرمایند:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامَكُمْ»... چنانچه یاری کنید خدا را، خدا هم

شما را یاری می کند ... که یک ملت با هیچ و هیچ ساز و برگ بر یک همچو قدرتهای

بزرگ غلبه کرد و همه را بیرون راند.^۴

سنت خدا در کمک به مردم بر حرکت و اقدام خود مردم است. هرچند همه چیز

تحت اراده خداوند است. از این رو نصرت خدا متوقف بر تداوم و عمل و حضور است، و

منظور از نصرت در آیه شریفه، نصرت بندگان خدا و حمایت از ستمدیدگان است. نکته

دیگر اینکه از شرایط نصرت خدا، خلوص عمل است.^۶

^۱ - بقره (۲)، آیه ۲۵۷.

^۲ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۳۵.

^۳ - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۲۵.

^۴ - محمد (صلی الله علیه وآله) (۴۷)، آیه ۷.

^۵ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

^۶ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۵، ص ۱۶۲.

۴-۱۴- طغیانگری

طغیان سرچشمه بسیاری از فتنه‌ها است. از آیه «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ»^۱ معلوم می‌شود که طغیان و طاغوت بودن از اموری است که در رأس امور است و برای طاغوت زدایی باید تعلیم «کتاب» و «حکمت» کرد و «تزکیه» کرد. فرعون را که خداوند نیز به او «طاغی» می‌گوید به دلیل اینکه انگیزه الهی در او نبود، و «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»^۲ گفت.^۳

۴-۱۵- اخوت و برادری

امام خمینی با بیان «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۴ به صورت صریح نوع رابطه بین مؤمنان را یادآور می‌شود که لازمه تحقق جامعه آرمانی می‌باشد.^۵

«ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است: إِنْ مَّا الْمُؤْمِنُونَ

إِخْوَةٌ، برادر هستند اینها و هیچ حیثیتی جز برادری با هم ندارند و مکلفند که مثل

برادر با هم رفتار کنند، این یک حکم سیاسی است...»^۶

^۱ - علق (۹۶)، آیات ۶-۷.

^۲ - نازعات (۷۹)، آیه ۲۴.

^۳ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، صص ۳۹۰-۳۹۱.

^۴ - باشگاه اندیشه، برادری و شاخصه‌های آن، www.bashgah.net، چهارشنبه، ۹ فروردین،

۱۳۹۶ ش.

^۵ - حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

^۶ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، صص ۱۳۴-۱۳۳؛ امام خمینی، شرح چهل حدیث، چاپ

بیستم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش، صص ۳۱۱-۳۰۹.

همه مسلمانها تابع هر مذهبی مؤمن و مشمول اخوت مورد نظر آیه است، چون ایشان می‌گویند ملت‌های مسلم، همه برادر هستند از لحن آیه استفاده می‌شود که هیچ شأنی جز برادری وجود ندارد، به ویژه اگر در جایی به مسلمانان صدمه وارد شد، همه برادرها در هر کجا هستند، متأثر باشند و اگر بتوانند دفاع کنند. این حکم گرچه به ظاهر اخلاقی است، اما حکم سیاسی و حکم اجتماعی هم است.^۱

۴-۱۶- مصلحت

مصلحت و تکلیف، از اساسی‌ترین ارکان و مبانی قرآنی اندیشه سیاسی امام خمینی، است. ایشان می‌فرمایند: «وَلَا تَجَسَّسُوا»^۲ راست است، قرآن فرموده است، اما قرآن حفظ نفس آدم «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»^۳ را هم فرموده است، وقتی که اسلام در خطر است، همه شما موظفید که با جاسوسی اسلام را حفظ بکنید. احکام اسلام برای مصلحت مسلمین و اسلام است.^۴

^۱ - سید محمد علی، ایازی، همان کتاب، ج ۵، ص ۲۰۸.

^۲ - حجرات (۴۹)، آیه ۱۲.

^۳ - نساء (۴)، آیه ۲۹.

^۴ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

نتیجه گیری

حکومت اسلامی، در همهٔ زمینه‌ها برای کشور ما برکاتی داشته است و از آن جمله، اندیشه قرآنی امام راحل را به منصفه ظهور نهاد که بررسی عناصر آن در دنیای کنونی حائز اهمیت بسیار است. مهمترین عناصر این اندیشه: رعایت دقیق احکام الهی بر اساس آیات و هدایت جامعه اسلامی بر اساس آن، قدرت تهییج و ایجاد شور و حماسه در ملت، به ویژه جوانان، شناخت دقیق از استکبار، به سرکردگی آمریکا و تحلیل و افشای به موقع نقشه‌های آنها، برخورد با صلابت و شجاعانه با حمله‌های برون مرزی؛ و تقویت انگیزه دفاعی رزمندگان، با مدد گرفتن از فرهنگ شهادت و خدا محوری در تمامی میدان‌ها و صحنه‌ها است. البته تأثیر باورهای قرآنی امام خمینی در حکومت اسلامی ایران، حفظ ساختار کشور اسلامی، در اوج بیرحمانه‌ترین مخالفت‌های دشمنان، در چارچوب اصول و مبانی مکتب اسلام بوده است. تلفیق این ارزشها و تطبیق آن با شرایط، از جهات اعجاز برانگیز رهبری امام راحل محسوب می‌شود. از آنجا که طرح بنیادی‌ترین مباحث حکومت اسلامی، حفظ و تبیین اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (رحمت الله علیه) نقش راهبردی مؤثری در تبیین سیاست‌های کشور داشته و دارد، در این پژوهش با سیری مختصر در فضای اندیشه قرآنی آن بزرگوار به قدر بضاعت، به استخراج منویات و آرای ایشان پرداخته شد.

پیشنهادها

۱- محققین و صاحب نظران، نقش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (رحمت الله علیه)

در پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهند.

۲- رسانه‌های ملی و عمومی که مخاطبین گسترده و متنوعی دارند در قالب‌های

مختلف و تأثیرگذار، بیشتر و بهتر به توجه دادن افراد به این مسئله بپردازند و اهمیت و

جایگاه اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (رحمت الله علیه) را به مردم یادآور شوند. همچنین

علاوه بر اینکه این مسئله می‌تواند برای عموم مردم، تمامی مسئولین و علما به ویژه طلاب

محترم مدارس حوزه‌های علمیه و دانشجویان عزیز دانشگاه مفید باشد، باعث روشن‌تر

شدن اهداف غنی امام خمینی (رحمت الله علیه) و شناخت ایشان نیز می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن.

منابع فارسی

- ۱- آذری قمی، احمد، ولایت فقیه از دیدگاه قرآن کریم، قم، دارالعلم، ۱۳۷۱ش.
- ۲- امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، چاپ بیستم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
- ۳- (-----)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- ۴- (-----)، شوون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مبحث ولایت فقه از کتاب البیع حضرت امام خمینی، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ش.
- ۵- (-----)، آداب الصلاة، چاپ شانزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
- ۶- (-----)، تفسیر سوره حمد، چاپ یازدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
- ۷- (-----)، شرح چهل حدیث، چاپ بیستم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- ۸- (-----)، کشف الاسرار، چاپ نخست، بی جا، شرکت کتاب، ۱۳۸۸ش.
- ۹- (-----)، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- ۱۰- ایازی، محمد علی، تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی،

ج ۲ و ۳ و ۴ و ۵، بی‌جا، ستاد شناخت و ترویج اندیشه‌های امام، ۱۳۸۳ ش.

۱۱- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، تهران، مؤسسه نگاه معاصر،

۱۳۸۱ ش.

۱۲- پارسا، محمد، روان‌شناسی نوین، چاپ بیستم، تهران، بعثت، ۱۳۸۳ ش.

۱۳- حسن عباس حسن، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه: مصطفی،

فضائلی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.

۱۴- خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، تهران، بوستان [و]

ناهد، ۱۳۷۷ ش.

۱۵- صادقی ارزگانی، محمد امین، جلوه‌های قرآنی در نگاه امام خمینی، دفتر قم،

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.

۱۶- فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، مؤسسه آموزش عالی

باقرالعلوم و سمت، ۱۳۸۲ ش.

۱۷- قاضی زاده، کاظم، اندیشه‌های فقهی- سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز

تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷ ش.

۱۸- کدیور، محسن، حکومت ولایی، چاپ پنجم، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸ ش.

۱۹- گودرزی، فاطمه، اندیشه‌های اصلاح‌گرایان امام خمینی در مقایسه با سیدجمال

الدین اسدآبادی، بی‌جا، مؤسسه و نشر و آثار امام خمینی، معاونت پژوهشی، بی‌تا.

۲۰- لک زایی، نجف، درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، قم،

بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۶ ش.

- ۲۱- مدرسی، محمد تقی، نگرشی بر اندیشه اسلامی، ترجمه: محمدرضا، آذیر، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۰ش.
- ۲۲- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ نهم، بی‌جا، صدرا، ۱۳۷۲ش.
- ۲۳- مرنندی، مهدی، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، ج ۲۱، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ۲۵- منصوری لاریجانی، اسماعیل، سیری در اندیشه دفاعی امام خمینی، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، مدیریت انتشارات ادبیات، ۱۳۷۷ش.
- ۲۶- محامد، علی، مبانی قرآنی حکومت دینی، قم، زائر، ۱۳۸۹ش.
- ۲۷- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، با همکاری بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ش.

منابع عربی

- ۲۸- حسن عباس حسن، الصیاعة المنطقیه للفکر السیاسی الاسلامی، بیروت، الدارالعالمیه للطاعة و النشر، ۱۹۹۲م.
- ۲۹- حکیم، محمدتقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- ۳۰- سیوطی، جلال الدین، الدرالمشور، ج ۵، قم - ایران، کتابخانه عمومی آیت الله

العظمی مرعشی، ۱۴۰۴ق.

۳۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.

۳۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق ابوالفضل، ابراهیم، ج ۲، لبنان،

دارالثرات، بی تا.

۳۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، بیروت، مکتب الهلال، ۱۰۸۵ق.

۳۴- عبد الملك بن هشام، ابن هاشم، سیره النبویه، با تعلیق عمر بن السلام، ج ۳ و ۴،

بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.

۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۸۸ق.

۳۶- مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق، ج ۲، قاهره، دارالعلم للطباعة، ۱۹۷۶م.

مقالات

۳۷- جمعی از نویسندگان، «انواع حکومت»، بانک جامع مقالات ولایت فقیه و

حکومت اسلامی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان، ۱۳۹۰ش.

۳۸- مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، چاپ اول، ج ۱، مدرسه

عالی امام خمینی با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - دفتر قم، تهران،

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۸ش.

فصلنامه ها

۳۹- زارعی، بهادر، زینی‌وند، علی، محمدی، کیمیا، قاعده نفی سییل در اندیشه

اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶، بهار ۱۳۹۳ش.

۴۰- کوهستانی نژاد، تورج، صفا، محمد علی، افضل‌ی، روح الله، مبانی قرآنی حکومت و بررسی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۵ش.

۴۱- نظرزاده، عبدالله، آموزه‌های سیاسی قرآن، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۵، ۱۳۸۰ش.

مجله

۴۲- دهشیری، محمدرضا، نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، مجله حضور، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۶۶ش.

سایت‌ها

۴۳- باشگاه اندیشه، برادری و شاخصه‌های آن، www.bashgah.net، چهارشنبه، ۹ فروردین، ۱۳۹۶ش.

۴۴- رجالی تهرانی، علیرضا، انواع حکومت، www.tebyan.ir، ۳/۲/۱۳۹۰ش.